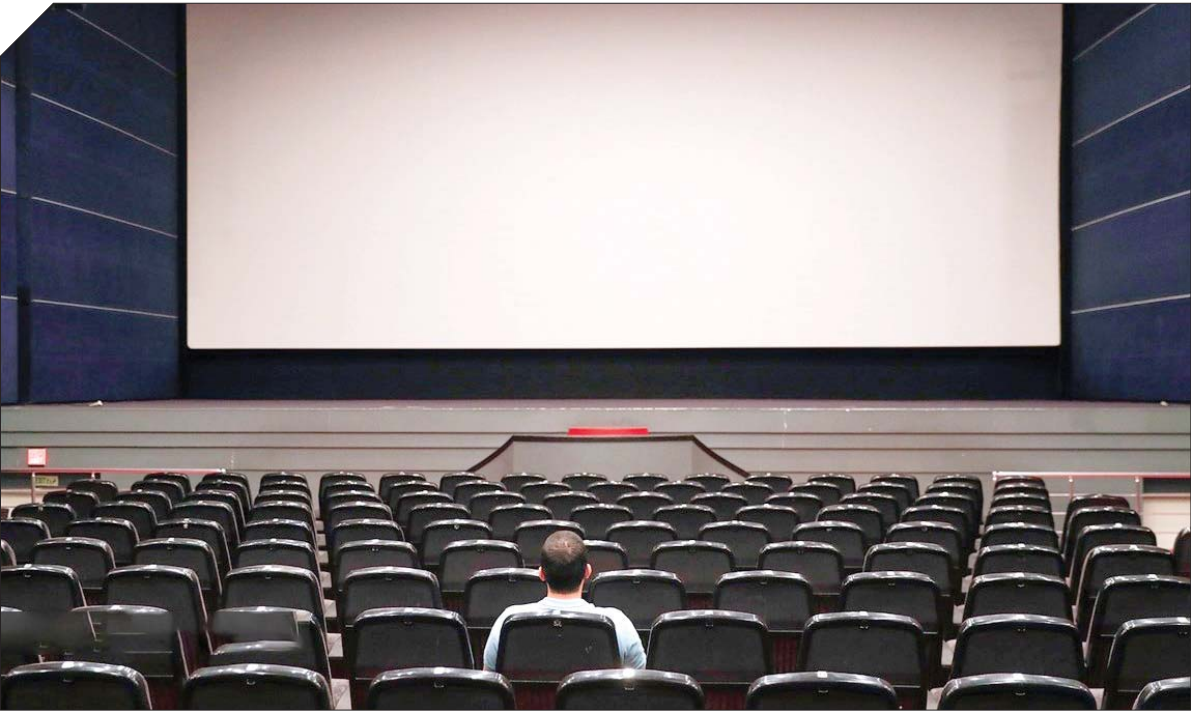




عکس: وحید خدادادی، آتا

بررسی کاهش فروش گیشه و مخاطب سینما در گفت‌وگو با کارشناسان

امیدی به احیای سینمای ایران هست؟

بهناز شیربانی؛ این روزها شرایط اکران و فروش فیلم‌های سینمایی برای بسیاری از صاحبان آثار راضی‌کننده نیست. بی‌تردید عوامل بسیاری در رسیدن به شرایط کنونی سینما دخیل است. اما بررسی‌ی گونگونی برون‌رفت از وضعیت کنونی سینما، اتفاقی است که بیش از پیش متوجه مدیران فرهنگی است. از ابتدای سال تاکنون معدود فیلم‌هایی، با اقبال مخاطبان روبه‌رو شده و باز این گزاره مطرح می‌شود که در کنار نمایش برخی فیلم‌ها در سینما، اکران آنلاین برای دیده‌شدن برخی دیگر از آثار اتفاق مناسب‌تری است. اکران آنلاینی که با شروع پاندمی کرونا و تعطیلی سینماها به بحث داغ محافل سینمایی بدل شد و در این میان برخی سینماگران در شرایطی که چشم امیدی به بازگشایی سالن‌های سینما نداشتند، برای نمایش آثار و البته بازگشت سریع‌تر سرمایه‌شان اکران آنلاین را پذیرفتند. در این میان اما قاجاق فیلم‌ها در مدت‌زمان کوتاهی از اکران، خیلی زود این طرح را با شکست روبه‌رو کرد. حال سازمان سینمایی بار دیگر ظرفیت‌های اکران آنلاین فیلم‌های سینمایی را بررسی و عنوان کرد، درباره اکران آنلاین به عنوان بازوی مؤثر در شرایط پساکرونا در کنار سالن‌های سینمایی و به منظور بهره‌وری از این هم‌افزایی برای تقویت چرخه عرضه و نمایش آثار عطف به یکی از فصول نظام‌نامه اکران. درخصوص بررسی و تعیین روش‌های جدید آنلاین اکران آثار سینمایی بحث و تبادل نظر شد و مقرر شد یک گروه پژوهشی و متخصص مطالعات و بررسی‌های لازم در زمینه اکران آنلاین و بازشناسی نقاط قوت و ضعف و ارزیابی ضرب موقعیت پلتفرم‌ها و بسترهای موجود و افق‌های پیش‌رو را به عمل آورد و نتیجه را جهت جمع‌بندی و تصمیم‌گیری نهایی به شورای راهبردی اکران ارائه دهد.

کیوان کنیریان منتقد سینما بی‌توجهی مدیران نسبت به تغییر شرایط را دلیل حال حاضر سینما می‌داند و دراین‌باره به «شرق» گفت: «پیش از کرونا، زمانی که آقای انتظامی رئیس سازمان سینمایی بودند در یادداشت‌هایی به این نکته اشاره کردم که این بی‌توجهی نسبت به تغییر شرایط که ریشه در عدم شناخت داشت، دیده و احساس می‌شد. به هرحال کرونا خیلی چیزها را تغییر داد و سینما یکی از مهم‌ترین مواردی بود که شرایطش عوض شد. وقتی از یک مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر گذر می‌کنیم، سخت می‌توان به جایگاه قبل بازگشت. مثل تغییر شرایط برای کامیوتهای پی‌سی و تمرکز همه اطلاعات روی گوشی تلفن همراه. یا تغییر شرایط برای دوربین عکاسی، الان کمتر کسی دوربین عکاسی خانگی دارد و دیگر با چرتکه حساب و کتاب نمی‌شود و ماشین حساب وجود دارد و نسبت به قبل تغییراتی کرده و به گوشی موبایل منتقل شده است. در بسیاری از ساحت‌های مختلف زندگی ما همه چیز تغییر کرده است».

نگاهی به مشکلات یک هنر اقلیمی در گفت‌وگو با صابر محمودی، هنرمند نازک‌کار اهل سنجند

نازک‌کاری را به رسمیت بشناسید؛ حتی یک صندوق حمایتی نداریم

صابر محمودی ازجمله هنرمندان اهل سنجندج است که هنر نازک‌کاری نسل به نسل به او رسیده و تا به امروز شاگردان بسیاری از او این هنر را آموخته‌اند. هنری که شاید نامش آنچنان که باید در بین عموم مردم شناخته‌شده نیست. محمودی درباره ریشه این هنر در خانواده‌اش به «شرق» گفت: «پدیرم از نازک‌کاران و ظریف‌کاران بنام سنجندج بود و شاگردان زیادی را آموزش داد. بسیاری از افرادی که از او این هنر را آموخته بودند، سال‌هاست کارگاه راه‌اندازی کرده‌اند و هنرجو تربیت می‌کنند. من هم نسبت به توانایی‌ام در این زمینه فعالیت کردم و البته ۵۰ سال ظریف‌کاری خودش یک عمر محسوب می‌شود؛ چراکه من از خردسالی زیر نظر پدر آموزش دیدم و هنوز هم به همین کار مشغول هستم».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «عنوان محلی کارم «نازک‌کاری» است. به این معنا که لایه‌های چوب را از کنده‌های بزرگ‌تری تهیه می‌کنیم و به لایه‌های بسیار نازک برش می‌زنیم. همین لایه‌های نازک ابزار کار ماست و به همین دلیل نام نازک‌کاری برای این هنر انتخاب شده است. هنرهایی مثل منبت‌کاری چوب، معرق‌کاری و مشبک چوب ازجمله هنرهایی است که از نازک‌کاری مشتق شده‌اند. شاید برای بسیاری جالب باشد که چطور می‌شود از لایه‌های نازک چوب، به لوازمی مثل کاسه و بشقاب‌های سنتی، قلمدان، جعبه‌های جواهر، قوطی سیگار و... رسید؛ اما باید گفت در هنر نازک‌کاری ساخت همه اینها ممکن است. قطعا ناکفته پیادست که ساخت اشیای مختلف از لایه‌های نازک چوب چقدر طاقت‌فراسست و تمامی این موارد با دست ساخته می‌شود و برای افرادی که با این حرفه آشنا نیستند، فکرکردن به اینکه ساخت این موارد چقدر زمان و انرژی می‌برد، دور از ذهن است. گاهی هم به سفارش مشتری کارهایی می‌سازیم و طراحی می‌کنیم. ناکفته نمادند که چوب گردو یکی از ابزارهای مهم کار ماست؛ چراکه نقش طبیعی این چوب و بافتش به اثر جلوه و شکل ویژه‌ای می‌دهد».

محمودی در پاسخ به این پرسش که به چه دلیل هنر ظریف‌کاری در سنجند رونق بیشتری دارد؟ گفت: «ما به‌صورت سنتی و منطقه‌ای فعالیت می‌کنیم. برخی شرایط دست به دست هم داد تا امکان تولید در این منطقه وجود داشته باشد. وجود انواع جنگل‌های درخت گردو، بیشترین تأثیر را در رونق این هنر در منطقه دارد. عنوان نازک‌کاری در کردستان و سنجند مفهوم و نشانه‌ای است برای کار چوب. شاید در منطقه

افزود: «به نظر من دکتر انتظامی دغدغه سینما نداشت و گر نه شاید می‌شد راهکارهایی پیدا کرد تا سینما زنده بماند. معمولا مدیرانی که قصد گذر از یک جایی به جای دیگر را دارند یا اصلا دغدغه‌ای در این زمینه ندارند، سعی می‌کنند هیچ اقدامی انجام ندهند، به این دلیل که نابلدی و ناآگاهی یک جایی خودش را نشان می‌دهد و صدای اهالی سینما درمی‌آید. به نظر من طی ۱۰ سال گذشته کم‌کاری بسیاری در حوزه سینما انجام شده است. مدتی قبل آقای عسکریو، به عنوان نایب‌رئیس فیاپ مصاحبه‌ای انجام دادند و در آن گفت‌وگو اشاره کردند که قبل‌تر هم تذکر داده بودند که این شکل ادامه روند برای سینما به شیوه همیشگی، دیگر جوابگو نیست. سینما در حال تغییر مسیر به سمت دیگری است و سینما در دنیا برای نجات خودش کارهای دیگری انجام می‌دهد، ولی در سینمای کوچک ما با چند سالن و چند تا مخاطب، به هر حال کلونی‌هایی وجود دارد که حفظ وضع موجود منافع مالی‌شان را بیشتر تأمین می‌کند، حتی با وجود مخاطب کم. برخی از سالن‌سازها، سالن‌دارها، پخش‌کننده‌ها، منافعهشان در حفظ وضع موجود است. خانه سینما هم که کاملا منفعل و بی‌برنامه و بدون ایده به حیاتش ادامه می‌دهد و مشخص نیست اصولا در سینما چه تأثیری دارد؟ فکر می‌کنم هیچ. ممکن است در این میان انفرادی برخی از دوستان در بعضی از شوروها، تأثیرات کوچکی در جایی کوچک بگذارند، ولی اصولا به نظر دیگر صنف در تصمیم‌سازی‌های سینما مؤثر نیست و عملا خودش را کنار کشیده است و احتمالا یک بودجه‌ای می‌آید و می‌رود و دوستان به کارهای خودشان می‌رسند. با توجه به این شرایط مدیران باهوش بو می‌کشند و متوجه می‌شوند که قرار است حوزه تحت مدیریتشان تغییر کند و خودشان را آماده تغییر شرایط می‌کنند».

او ادامه داد: «از طرف دیگر می‌بینید، امسال آنچنان فیلمی تولید نشده. فقط می‌شنویم برخی نهاده‌ا و ارگان‌ها در حال تهیه فیلم هستند. چراکه اساسا با توجه به شرایط اقتصادی هزینه تولید فیلم به ویژه در بخش خصوصی بسیار بالا رفته است و دیگر کمتر کسی چنین ریسکی را می‌پذیرد. می‌بینید که در این وضعیت بسیاری از کارگردان‌ها کنار نشستند و منتظرند ببینند اصلا چه اتفاقی قرار است رخ دهد و مدیریت سینمای ما هم اصلا برنامه‌ای برای بهبود این شرایط دارد یا خیر؟ مگر الان می‌شود با معیارها و فرمول‌های ۵-۱۰ سال پیش سینما را اداره کرد؟ همان‌طور که سینماهای تک سالنه و سینمای آپارات ۳۵ میلی متری حذف شد و کمپلکس‌ها و مال‌ها آمدند و دسته‌حال دیجیتال پخش فیلم آمد، همه چیز تغییر کرده است. مثل این است که همچنان بخواهیم با ننگایتی فیلم بسازیم و با آپارات ۳۵ میلی‌متری فیلم پخش کنیم! چنین چیزی امکان ندارد، چراکه از آن دوران گذر کردیم.

متأسفانه مدیران حداقل سه دوره اخیر ما متوجه نبودند و نیستند که از یک دورانی گذر کرده‌ایم. شاید شناخت یا دغدغه ندارند و شاید روی برخی چیزها تعصب دارند. به نظر من باید مدیری سر کار باشد که بتواند سینما را با شرایط جدیدش مدیریت کند. باید تغییر شرایط سینما را درک کند که متأسفانه هیچ‌کدام از دوستان این شرایط را ندارند. به هر حال سینما با توجه و استناد به آمارهای موجود، عملا در حال نابودی است. گفتن این عبارات که سینمای خوبی داریم، چیزی را عوض نمی‌کند. متوجه شدم اخیرا آقای انتظامی روی جداول فروش و اینکه سینما چقدر حالش خوب است یا نیست کار می‌کند، برایم عجیب است که چرا وقتی در مسند مدیریت سینما بودند، به این چیزها فکر نکردند. آقایان خراعی و حیدریان هم به همین ترتیب نگاه‌های سنتی و بسته‌ای به سینما دارند و هیچ‌کدام این تغییر شرایط را درک نکردند. عملا می‌بینید که سینما هیچ‌وقت مدیر به‌روزی نداشته است. الان سینمایی برایمان باقی نمانده و این تعداد مخاطب سینما یک فاجعه است».

کنیریان در پایان گفت: «در حال حاضر فیلم خوب کم تولید می‌شود و انگشت‌شمار فیلم خوبی هم که تولید می‌شود، دوستان مجوز نمی‌دهند. ارائه گزارش‌هایی از این سوست که حال سینمای خوبی است، دردی را دوا نمی‌کند. سینما روی زبان و روی کاغذ جاری نمی‌شود. سینما روی پرده و در سالن دیده می‌شود. سینما با مخاطب تعریف می‌شود. وقتی مخاطب سینما نداریم دیگر از آن چه می‌ماند؟ چطور پیش‌بینی نکردید شرایط سینما در حال تغییر است و در حال انتقال به صفحات تلویزیون و گوشی‌های همراه است؟ باید فکر می‌کردید. من مدیر سینمایی نیستم که بپرسید باید به چه چیزهایی فکر می‌شد؟ دوستانی که حقوقشان را می‌گیرند و مسندلی در اختیارشان است، باید فکری می‌کردند. سینمایی که سانسسی ۳۰ نفر در سانشش باشند که اصلا باید فراموشش کنیم. مشکل اساسی ما عقب‌ماندگی مدیرانمان است. مقصودم مدیران حداقل چهار دوره گذشته است و این عقب‌ماندگی تا جبران نشود، سینما نخواهیم داشت. باید پذیرفت ما دیگر

سینما نداریم».

از سویی دیگر افزایش قیمت بلیت سینماها نیز از جمله نکاتی است که بسیاری از مخاطبان همیشگی سینما را از صرافت دیدن فیلم در سالن سینما انداخته است. به‌تازگی سیدعلی طباطبایی‌نژاد معاون پخش و اکران حوزه هنری از اجرای طرح قیمت‌گذاری ششاور در زنجیره سینماهای بهمن سبز به‌صورت آزمایشی خبر داد. او تأکید کرد قیمت‌گذاری ششاور بلیت فیلم‌های سینمایی، موضوعی متداول در اغلب زنجیره سینماهای جهان است که در روش‌های سنتی مدیریت فرهنگی و هنری در ایران در نظر گرفته نشده است. ما با شناسایی و تحلیل روش‌های متداول قیمت‌گذاری محصولات فرهنگی در جهان، در تلاشیم تا به نسخه‌ای بومی برای این کار دست یابیم.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به مهر گفت: «قیمت‌گذاری یکی از عوامل هفت‌گانه تعیین‌کننده در تحلیل‌های سینمای دنیاست که می‌تواند در حجم استقبال مخاطبان از محصول و سود نهایی فروش تأثیرگذار باشد. قیمت هر محصول باید با توجه به ارزش پیشنهادی به مشتریان تعیین شود. نگاه سنتی به قیمت‌گذاری و تعیین نرخ ثابت یا انجام حرکت‌های هیجانی مثل نیم‌بهاردن بلیت همه فیلم‌ها در تمام سینماها، نتیجه‌ای جز ضربه‌زدن به اقتصاد سینما و فرهنگ کشور در پی نخواهد داشت. این نسخه‌ها روش درستی برای مدیریت بلندمدت نیستند و تنها تأثیر مقطعی و حتی مخرب به‌ویژه در افتتاحیه اکران فیلم‌ها خواهند داشت». او اضافه کرد: «ما با بررسی روند فروش در حدود ۱۵۰ سالن سینمایی حوزه هنری در طول یک بازه معین بعد از کرونا در تلاشیم به برنامه‌ای جامع برای قیمت‌گذاری سانس‌های سینما برسیم. این طرح به‌صورت آزمایشی برای فیلم «هناس» در سینماهای بهمن سبز اجرا خواهد شد تا با بازخوردگرفتن از مرحله آزمایشی به نقطه‌ای مطلوب برسد. روز نمایش، سانس، کیفیت سالن، هفته نمایش فیلم و... عواملی هستند که باید در قیمت‌گذاری ششاور سانس‌های سینماها مد نظر قرار بگیرند. با اجرای فاز صفر این طرح و بهینه‌شدن طرح قیمت‌گذاری بویا می‌توان به نسخه‌ای جامع برای قیمت‌گذاری آثار در سینماهای سراسر کشور دست یافت که در صورت اجراشدن می‌تواند با افزایش استقبال مخاطبان از فیلم‌های سینمایی، چرخ‌های اقتصاد صنعت سینما را بیش از پیش به گردش درآورد».

سعید خانی از تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان سینمای ایران به «شرق» گفت: «اساسا ماهیت سینما در تمام دنیا به سمت حذف‌شدن است. با توجه به حضور پلتفرم‌ها اساسا سینما موقعیش را به‌عنوان محلی برای تفریح و سرگرمی به مرور از دست می‌دهد؛ اما طبیعی است که کشوری مثل آمریکا، به‌دنبال راهکاری برای غلبه بر این موضوع هستند. ساخت فیلم‌های بیگ‌پروداکشن و فیلم‌هایی که برای نمایش روی پرده مناسب است، از جمله همین راهکارهاست. تنوع در اکران و تبدیل بخشی از سالن سینما به سالتی وی‌آی‌پی و نوع فروش بلیت از دیگر تمهیداتی است که برای نمایش فیلم در سالن‌های سینما انتخاب کرده‌اند».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «در سینمای ایران با مشکلات متفاوت‌تری روبه‌رو هستیم. عدم مجوز ساخت و نمایش یا ایجاد مشکلاتی در این راه باعث می‌شود بسیاری از فیلم‌های خوب موفق به ساخت یا اکران نشوند؛ اما بی‌تردید شرایط اقتصادی تأثیر بسزایی دارد. در ششاورشدن بلیت سینما موافقم. در حال حاضر طبقه‌ای از جامعه که طی دو، سه سال اخیر، طبقه متوسط جامعه محسوب می‌شدند و عمده مخاطب سینما بودند، تغییر وضعیت دادند و طبیعی است که برای آنها نیازهای اولیه مثل خوراک و مسکن حرف اول را می‌زند و سینما از اولویت آنها خارج شده است. قطعا که همچنان تمایل دارد فیلم‌ها را روی پرده سینما ببیند، اما در این میان فقط خرید بلیت سینما نیست. درحال حاضر دیدن فیلم در سینما برای یک خانواده با احتساب آمودرفتشان به سینما و...تفریح ارزانی نیست. باید به این فکر کنیم که فیلم‌دین در سینما را برای مخاطب راحت‌تر کنیم و فقط به زودی شاهد این‌بین‌رفتن سینما خواهیم بود. در حال حاضر با صف طولی که برای اکران وجود دارد، مشکلی از لحاظ تعداد فیلم برای اکران نداریم اما برای سال آینده با روندی که در حال حاضر پروانه ساخت طی می‌کند و سخت‌گیری‌هایی که اعمال می‌شود، سال سختی خواهد بود».

او ادامه داد: «سال ۹۸ مخاطب سینما ۲۲ میلیون نفر بود و بعید می‌دانم امسال مخاطب ما به ۱۱ میلیون برسد؛ اما با فکرکردن به روش‌هایی که به نفع مخاطب باشد می‌توانیم از این بحران جدا شویم تا سینما را حفظ کنیم و اگر غیر از این باشد، به زودی شاهد این‌بین‌رفتن سینما خواهیم بود. در کنار حاضر با صف طولی که برای اکران وجود دارد، مشکلی از لحاظ تعداد فیلم برای اکران نداریم اما برای سال آینده با روندی که در حال حاضر پروانه ساخت طی می‌کند و سخت‌گیری‌هایی که اعمال می‌شود، سال سختی خواهد بود».

به رسمیت بشناسید؛ حتی یک صندوق حمایتی نداریم

مهم‌ترین مراکز تولید فراورده‌های دستی ایران مثل نازک‌کاری چوب، قالی‌بافی، کلمب‌بافی و کلاش‌بافی (کفش دست‌بافت و نخ‌ی) است. از آنجایی که توسعه صادرات صنایع دستی و در نتیجه ایجاد درآمدهای ارزی از شرایط اساسی توسعه اقتصادی است، در سال‌های اخیر صدور محصولات دستی نه‌تنها توسط کشورهای جهان سوم، بلکه توسط برخی از ممالک پیشرفته نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ به‌خصوص کشورهای مهد صنایع دستی تلاش می‌کنند تا با اتخاذ تدابیر حمایتی و سیاست‌های تشویقی، زمینه رشد و توسعه صادرات صنایع دستی را که یکی از اقلام مهم صادراتی آنها به حساب می‌آید، فراهم کنند. متأسفانه در سنجند یک صندوق حمایت از هنرمندان داریم و هنوز با ممانعت گمرکی مواجه هستیم. هنرهایی مثل نازک‌کاری، فاکتورهای ارزشی فرهنگ ما محسوب می‌شوند. قطعا راه مبارزه با شیخون فرهنگی که از آن نام برده می‌شود، متماثل‌شدن به چنین هنرهایی است. متأسفانه باید باهنگامی می‌شوند. تا کجا باید فریاد کشید و درخواست کرد که به صنایع سنتی و تولید اهمیت بدهید».

او در پایان گفت: «گردوغبارهای ناشی از برش و سمباده‌کشیدن سطوح انواع چوب در کارگاه‌های تولیدی ازجمله نازک‌کاری، ممرق و منبت چوب، ضمن وجود ایمنی کار و ملاحظات بهداشتی، به مرور ریه‌های کارگران و تولیدکنندگان را درگیر و نهایتا دچار سرطان لاعلاج ریه و دستگاه تنفسی می‌کند. جا دارد تا ادارات و سازمان‌های مرتبط ازجمله وزارت درمان، اداره کار و رفاه اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی و... جدیت و پیگیری بیشتری در تأیید سختی کار و ریان آوریودن فعالیت‌های هنر نازک‌کاری داشته باشند. لازم به ذکر است برخی از استادان این هنر از آثاروام مطرح کشور بوده‌اند که به درجات و کسب مدارک گوناگونی هم دست پیدا کرده‌اند که در اینجا جهت احترام و تجلیل از جایگاه رفیعشان، به ذکر نام چند نفر از این بزرگان هنر بسنده می‌کنم. زنده‌یادان: دکتر علی‌اکبر بهزادبان، مجید نعمتیان، رشید تقربی، عبدالحمید نعمتیان، توفیق محمودی، محمد زولیده، باقر علی‌میزانژاد، شکرالله افساریان، اقبال‌شایب غلامعلی کردستانی، غلامعلی گلستان‌آرا، علی سبطی، صدیق شریعتی، رشید نمکی، فریدون محمودی و...»

کنند. با همه اینها، این هنر نیازمند کمک‌های نهادهای دولتی است. حمایت‌هایی مثل پرداخت وام و... می‌تواند به افرادی که از این راه روزگار می‌گذرانند، کمک کند. بشخصه در کارگاه خودم، همراه با برادرم و پسرمر سعی می‌کنیم به افرادی که به‌صورت خانگی کار می‌کنند، کمک کنیم و آموزش‌هایی به آنها بدهیم تا در این شرایط اقتصادی، کمکی به امرار معاش آنها باشد. این هنر آن‌قدر گستردگی و پتانسیل دارد تا راه به خارج از مرزهای ایران باز کند و حرفی برای گفتن داشته باشد. تا به امروز سازمان صنایع دستی آنچنان که باید انتظار ما را برآورده نکرده و حمایت‌های کافی از این هنر انجام نداده است. حمایت آنها غالبا انحصاری است. بارها خواهش کردیم که ما وایمی داده شود که بعد از گذراندن هفت‌خان رستم برای گرفتن وام و سودهای کلانی که دارد که اغلب موفق به دریافتش نمی‌شویم، بازهم به نقطه اول برمی‌گردیم و هیچ سراغی از این هنر گرفته نمی‌شود. در جریان هستم که شرایط در شهرهای دیگر ایران بهتر از کردستان است، اما متأسفانه از ما حمایتی نمی‌شود و همین موضوع بسیاری از فعالان این حرفه را به نابودی منتهی کرده‌اند».

او در صحبت‌هایش با تأکید بر اینکه این شغل می‌تواند بازارهای جهانی خوبی داشته باشد، گفت: «کردستان از

دارد». محمودی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به پیشینه این هنر در کردستان اشاره کرد و گفت: «نازک‌کاری چوب یا هنر ظریف‌کاری چوب در کردستان، طبق گفته پیشینیان، به دوران صفویه و ۴۰۰ سال قبل برمی‌گردد؛ هرچند اسنادی وجود دارد که پیشینه این هنر را بیش از ۴۰۰ سال معرفی می‌کند. این هنر را مدیون کسانی هستیم که آن را سینه به سینه منتقل کردند و متأسفانه امروز هستند کسانی که مدعی‌اند پیشینه این هنر حدودا ۱۰۰ سال است و توسط خانواده‌ای به این خطه آورده شده است. باید بگویم این ادعا تنها ضایع‌کردن حق کسانی است که در این راه زحمت کشیدند و هنرجو تربیت کردند. قطعا هر فردی به اندازه توان و تلاشش در این راهثرثمر بوده است. این هنر مربوط به این خانواده یا آن فرد نیست؛ تلاشی جمعی بوده است. امروز هم ما وارث نسلی هستیم که این هنر را به ما منتقل کردند».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «پدرم زنده‌یاد توفیق محمودی، اولین کسی بود که معرق چوب را در شهرستان سنجند وارد کار نازک‌کاری کرد. بسیاری از استادانی که آن زمان مشغول کار نازک‌کاری بودند، با پدرم مخالفت کردند. اما این مخالفت‌ها چندان ادامه‌دار نشد؛ چراکه جذابیت کار معرق روی چوب حرفی برای گفتن داشت و در کنار نازک‌کاری، نمود بهتری پیدا می‌کند. همین موضوع باعث شد تا هنر نازک‌کاری مسیر بهتری پیدا کند. پدرم در رژیم گذشته مبارزات سیاسی علیه نظام پادشاهی داشت که همین موضوع باعث شد در دهه ۳۰، چند سالی را در زندان سپری کند. در همان زندان بود که علاقه‌اش به کار چوب باعث شد این هنر را به هم‌بندی‌هایش هم آموزش بدهد و متقابلا از دیگرانی که آنجا بودند، هنر معرق یاد گرفت و روی چوب پیاده کرد. بعد از سال‌ها و برگشت از زندان، این هنر را در سنجند ادامه داد. من هم همین مسیر را دنبال کردم و از جایی به بعد که هنر نازک‌کاری را یاد گرفتم، سعی کردم هنر طراحی را روی چوب پیاده کنم و کار متفاوتی ارائه بدهم. این کار برایم ارزشمند بود و رونق بهتری به کارم داد و آن را از حالت سنتی و محدود خارج کرد».

محمودی درباره بازارهای داخلی و خارجی این هنر نیز گفت: «امروز این هنر به جایی رسیده که در بازارهای داخلی و خارجی حرفی برای گفتن دارد و بسیاری از جوانان می‌توانند از این‌ راه امرار معاش

